



سایت گل ادرسون، دخیا و آلسیون بکر را به چالش پرتاب دست بیرانوند دعوت کرد.

هنگام رصد منجمی گفتا! wow وی کرد تصور که بود یک UFO بعد از دو سه روز بررسی شد معلوم پرتاب بلند توپ بود از بیرو



منجینی
نغمی‌راد

چغوکر استریپ

در حاشیه به جریان افتادن #طرح سه‌میه‌بندی بنزین در مجلس



ای نامردا! می‌دونین اینجا بنزین لیتری چنده؟ حالا راه می‌رفتم و رد داده بودم، دلم خیلی گرفته بود. مثل کدملی‌ام رو که دارین، کدملی کانادام رو هم می‌فرستم، برام روزی دو لیتر واریز کنین!



بنده نیز ضمن تشکر از دوستانی که این طرح را دادند، پیشنهاد می‌کنم به جای هر کدملی، به هر شغل یک لیتر بنزین به صورت روزانه اختصاص دهید. اینجوری من روزی ۳۷ لیتر می‌گیرم و یک پاک پر می‌شود!



یادتونه گفتیم نفت رو میاریم سر سفره؟ آوردیم ها ولی بایک زنجان سر سفره نشسته بود به بقیه نرسید! حالا دارم می‌گردم اون دکل گم شده کجا افتاده، بعد من طرح دو لیتر با یک قوطی نوشابه اضافه بهتون میدم!



می‌خواستم حامل به خبر خوب دیگه براتون باشم و بگم این به جای سه‌میه بنزین، می‌تونین بسته اینترنت تویتردار بگیرین، ولی چون نشون دادین جنبه ندارین خبر رو بهتون نمی‌دم! برین ۴ لیتری توی صف وایستین!



واقعا متأسفم در حالی تیم‌های دیگر با ۲۰ لیتری بنزین می‌گیرند و فرست کلاس سوار می‌شوند، ما اینجا باید یک لیتر بنزین بگیریم و چیزی نداشته باشیم که بخوریم ... الان دارین درست ترجمه می‌کنین دیگه؟



نگران نباشید، نمی‌خوام گریه کنم، می‌دونم که مترجم باز هم اشتباه کرده و آقای کی‌روش این جملات رو می‌خوانستن برای تیم بعدی‌شون کلمبیا یکن. وگرنه ما که خدا رو شکر هم شور داریم، هم شعور داریم، هم بنزین!



من اخیرا عکس یک بچه رو دیدم که چهار لیتری به دست همون‌جور موند تا خشک شده، داریم به کجا میریم؟ این پست رو احتمالا مجبورم باز هم بدون هیچ توضیحی حذف کنم، ولی بدویند ما سلبریتی‌ها همه فن حریف هستیم و براتون کم نمی‌گذاریم!

طرح
حسن
صالحی



در حاشیه حمله دوسگ به دختر ۱۰ ساله در لواسان



حاشیه

محمدعلی محمدپور



فیلترینگ

پراید

فیلترینگ، نماد دلسوزی مسئولان برای مردم است. اگر توی خوابتان هم با فیلترینگ روبه‌رو شدید که چقدر تباه هستید شما... نه چیز! بدانید که دلسوزی مسئولان به خوابتان هم آمده و آن‌ها دوست ندارند شما چیزهایی را که نباید ببینید، ببینید. پس به خاطر این دلسوزی ازشان تشکر کنید. دیدن فیلترینگ در خواب به معنای این است که یکی همیشه حواسش به شما هست و دوستان دارد. به‌تازگی رئیس‌جمهور گفته منشأ فیلترینگ از دوران پهلوی اول بوده اما به نظر ما فیلترینگ از مدت‌ها قبل حتی زمان هخامنشیان هم وجود داشته و آن‌ها حواسشان به ما بوده است. اصلا کوروش کبیر درباره فیلترینگ می‌گوید: «هر گاه با فیلترینگ روبه‌رو شدی به جای آنکه به دنبال فیلتر شکن باشی، از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کن!»

پراید، شما را بدون تعارف با واقعیت ترازیک زندگی روبه‌رو می‌کند. و آن واقعیت هم این است که «مرگ حق است» و از آن گریزی نیست. بنابراین اگر در خواب دیدید که سوار پراید هستید، بدانید که عمری دراز و طولانی خواهید داشت. چون اساسا دیدن خواب مرگ نشان از عمر طولانی دارد البته حواستان باشد اگر یکی از آشنایان مرحوم‌شده‌تان پشت فرمان بود هرگز سوار ماشین نشوید و باهانش نروید. اما عمر طولانی هم به شرطی است که وقتی بیدار شدید پیگیر ثبت‌نام پراید نباشید. چون همان یک شب که شما خوابیدید مسئولان پراید نخواهید‌اند و تا صبح مشغول حساب‌کتاب بوده‌اند. این طوری بهتان بگویم که «شب‌ها که ما می‌خوانیم مدیر پراید بیداره، ما خواب خوش می‌بینیم، اون رو قیمت می‌ذاره».



محمدعلی محمدپور

یک خارجی در مشهد

(قسمت بیست و پنجم)

طنز تلخی شد زندگی

دیگر خیلی خسته و درب و داغان شده بودم. از آن هتل کنایبی زدم بیرون. همین‌طوری توی خیابان‌ها راه می‌رفتم و رد داده بودم، دلم خیلی گرفته بود. مثل پیکانی بودم که به همه سواری داده باشد و حالا همه رفته باشند ۲۰۶ سوار شوند. داشتم فکر می‌کردم که چه‌کار کنم چه‌کار نکنم؟ گفتم بروم ترمینال و یک بلیت بگیرم و بروم شاید سرنوشتم عوض شد. توی ترمینال آقایی بود که لباس فرم تنش بود و از قیافه هر کی خوشش نمی‌آمد بهش می‌گفت برود یک گوشه بایستد. اصلا جای تعجب ندارد که با آن قیافه که من داشتم آن آقای فرمی از قیافه من خوشش نیامد و من را هم صدا کرد.

ما ۱۰ نفری از جمعیت جدا شدیم. آقای فرمی یک رفیق هم داشت که او هم لباس فرم تنش بود و با گوشه داشت از ما فیلم می‌گرفت و هی می‌خندید. آقای فرمی گفت: بیشین! ما به هم نگاه کردیم. آقای فرمی دوباره داد زد: بیشین!

ما باز به هم نگاه کردیم. که آقای فرمی پای مبارک را که پوتین داشت (ربطی به آن پوتین ندارد) کوبید توی ساق پای من. و بعد داد زد: بیشین!

ما فهمیدیم منطق او پیروز است. و سریع نشستیم. بعد داد زد: وُخزا! و ما پا شدیم. خلاصه نیم‌ساعت ما را بشین پاشو داد. بعد آمد گفت: توا (من را می‌گفت). پچه کچه‌یی؟ گفتم: پچه نیستم بزرگ شدم. باز کوبید توی پام. داد زد: از کچه میی؟ گفتم: از هیچ جا. داد زد: اینچه دری چکا مکنی؟

گفتم: هر کاری. کارگری. بیکاری. هر چی. آقای فرمی گفت: به مو احترام بذار! گفتم: من که بی‌احترامی نکردم. آقای فرمی گفت: مگه تلویزیون ره ندیدی؟ تو برنامه ورزشی گفتم که شماها به مو مدیون مرن. احترام بذار. گفتم: والا دم شما گرم. ولی من کار کردم دیگه. نفسش مجانی بود کار کردنم نصفش هم پول گرفتم.

آقای فرمی گفت: چی؟ بعد دوباره ما را بشین پاشو داد. رفیق فرمی‌اش هم داشت قهقهه می‌زد. دو نفری خیلی خوشحال بودند. آقاها داد زد: بر چی وُرِیم‌گردی کشور خودت؟

همه گفتند: برمی‌گردیم. برمی‌گردیم. بعد آقای فرمی رو به من گفت: کشور تو کُجه مره؟ گفتم: والا تا الان همین جا بود. ولی الان که با شما آشنا شدم گفتم کاش من مریخی بودم و شما را نمی‌دیدم. آقای فرمی و رفیقش خندیدند: هاهاهاه... مریخی مری؟ خاک تو سرت پشه. آگه راست میگی وُخز مریخ بر چی نمیری؟ بر چی اینچه مُمائی و جای ما ره تنگ مکنی؟ حالا میخیم ببینیم یگ مریخی چطو بیشین وُخز مکنیه. بیشین... وُخز... بیشین... وُخزا! شروع کردیم دوباره به بشین پاشو رفتن.

الان عمامه است که داریم بشین پا شو می‌رویم. آن دونفر دارند از ما فیلم می‌گیرند و می‌خندند. بعد آپلود می‌کنند توی اینترنت و مردم می‌خندند. جدیدا خیلی طرفدار پیدا کردند و لایو بشین پا شو کردن ما را توی اینترنت پخش می‌کنند هزاران نفر نگاه می‌کنند و قاه قاه می‌خندند. البته هزاران نفر هم از دست این‌ها حرص می‌خورند و گریه می‌کنند. خدا هیچ‌کس را غریب نکند. خیلی درد دارد. دلم می‌خواست داستان زندگی‌ام طنز باشد و همه از خنده روده‌بر شوند ولی طنز سیاه و تلخی شد زندگی‌ام که تعریف‌کردنش اشک آدم‌ها را درمی‌آورد.

(ادامه دارد)

پوریا عالی

